Archive of SID.ir

فصلنامه گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی
دوره ٤، شماره ٢، شماره پیاپی (١٤)، تابستان ١٤٠٤، ص ١٢١ ـ ١٠١

مقاله پژوهشی

مطالعه تطبیقی معناپردازی عدالت سیاسی در گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان لیبرال‌دموکراسی؛ از تقابل نظری تا امکان تعامل گفتمانی

محمد معرفت[1]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶

چکیده: در این مقاله، معنای عدالت سیاسی در دو گفتمان کلان «انقلاب اسلامی» و «لیبرال‌دموکراسی» به‌صورت تطبیقی مورد مطالعه قرار گرفته است. مسأله اصلی پژوهش آن است که چگونه هر یک از این دو گفتمان، عدالت سیاسی را معناپردازی می‌کنند و آیا امکان تعامل مفهومی یا هم‌نشینی گفتمانی میان این دو روایت از عدالت وجود دارد یا نه. برای پاسخ به این مسأله، از روش «تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه» بهره گرفته شده که تمرکز آن بر چگونگی شکل‌گیری مفاهیم سیاسی در دل منازعه‌های گفتمانی است. اهداف تحقیق عبارتند از: تبیین مؤلفه‌های عدالت سیاسی در هر دو گفتمان، تحلیل نقاط تقابل یا تمایز آن‌ها و بررسی امکان گشودگی گفتمانی برای تعامل میان این دو خوانش. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در گفتمان انقلاب اسلامی، عدالت سیاسی پیوندی ذاتی با مفهوم ولایت، عدالت الهی، و نفی سلطه طبقاتی و استکباری دارد و در نسبت با شریعت و امامت معنا می‌یابد. در مقابل، در گفتمان لیبرال‌دموکراسی، عدالت سیاسی عمدتاً با آزادی‌های فردی، برابری حقوقی و مشارکت انتخاباتی تعریف می‌شود و مبتنی بر عقلانیت اجرایی و قرارداد اجتماعی است. با این حال، در بستر نظریه تعامل گفتمانی، می‌توان از امکان گفت‌وگو میان این دو روایت در حوزه‌هایی مانند عدالت رویه‌ای، حق مشارکت و کرامت انسانی سخن گفت. این مقاله نتیجه می‌گیرد که اگرچه تقابل‌های ریشه‌ای در سطح مفاهیم بنیادین وجود دارد، اما امکان تعامل گفتمانی در سطوح میانی و کاربردی، تحت شرایط مشخص، ممکن است.

واژگان اصلی: گفتمان انقلاب اسلامی، لیبرال‌دموکراسی، عدالت سیاسی، تعامل گفتمانی.

۱استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
m.marefat@iau-tnb.ac.ir

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱. مقدمه

۱.۱. تبیین مسأله اصلی و مسائل فرعی

عدالت سیاسی یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در فلسفه و اندیشه سیاسی است که از دوران کلاسیک تا معاصر، همواره محور بحث‌های نظری و بنیادین میان نحله‌های فکری و گفتمانی مختلف بوده است. با ورود به عصر مدرن و شکل‌گیری گفتمان لیبرال‌دموکراسی، مفهومی خاص از عدالت سیاسی مبتنی بر حقوق فردی، قرارداد اجتماعی و عقلانیت ابزاری شکل گرفت که تا امروز به‌عنوان یکی از مسلط‌ترین روایت‌ها در نظریه‌پردازی سیاسی غربی شناخته می‌شود (Rawls, 1971: 3-4; Nozick, 1974: 3-5). در مقابل، انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، با تکیه بر مبانی الهیاتی و معرفتی شیعی، گفتمانی بدیل و متفاوت در باب عدالت سیاسی بنیان نهاد که با روایت‌های سکولار تعارضات گفتمانی عمیقی دارد.

مسأله اصلی این مقاله، بررسی تطبیقی معناپردازی عدالت سیاسی در دو گفتمان رقیب ـ گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان لیبرال‌دموکراسی ـ است. این مطالعه به دنبال آن است که دریابد چگونه هر یک از این دو گفتمان عدالت سیاسی را صورت‌بندی و معناپردازی کرده‌اند، چه اشتراکات و افتراقاتی میان آن‌ها وجود دارد، و آیا اساساً امکان هرگونه تعامل گفتمانی میان این دو قرائت متعارض وجود دارد یا خیر.

در راستای این مسأله اصلی، مسائل فرعی زیر قابل طرح است:

أ. عدالت سیاسی در گفتمان انقلاب اسلامی چگونه تعریف شده و از چه ساختار مفهومی برخوردار است؟

ب. عدالت سیاسی در گفتمان لیبرال‌دموکراسی چه مؤلفه‌ها، مبانی معرفتی و روشی دارد؟

ج. چه نقاط مشترک و افتراقی در سطح مفهومی، فلسفی و نهادی میان این دو گفتمان وجود دارد؟

د. آیا امکان تعامل، ترجمه یا حداقلی از گفت‌وگوی گفتمانی میان این دو گفتمان فراهم است؟ در چه سطوحی و تحت چه پیش‌فرض‌هایی؟

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

١.٢. تبیین ضرورت و چرایی پرداختن به مسأله (ارزش مسأله)

ضرورت بررسی تطبیقی معناپردازی عدالت سیاسی در این دو گفتمان از چند حیث قابل توجیه است:

نخست، اهمیت عدالت به‌مثابه یک کلیدواژه محوری در نظم سیاسی و اجتماعی معاصر است. عدالت سیاسی نه‌تنها در ساختار نظام‌های سیاسی بلکه در مشروعیت‌زایی، تولید اجماع و ترسیم حدود قدرت نقشی بی‌بدیل ایفا می‌کند.

دوم، در جهان معاصر شاهد شکل‌گیری بحران‌هایی در نظم بین‌المللی، از جمله افزایش نابرابری، گسترش بی‌عدالتی سیستماتیک و ضعف دموکراسی‌های لیبرال هستیم. در این شرایط، گفتمان‌های بدیل مانند گفتمان انقلاب اسلامی به‌عنوان آلترناتیوهایی ممکن، باید به‌لحاظ گفتمانی و نظری بازخوانی شوند تا ظرفیت‌های آن‌ها برای پاسخ‌گویی به بحران‌ها سنجیده شود.

سوم، با توجه به افزایش تقابل تمدنی میان غرب سکولار و جوامع اسلامی، شناخت سازوکارهای گفتمانی عدالت در این دو سنت می‌تواند به تلطیف تقابل‌ها یا تشخیص امکان هم‌افزایی و تعامل گفتمانی کمک کند.

چهارم، این مطالعه در چارچوب سیاست‌پژوهی انقلاب اسلامی، می‌تواند به غنای نظری آن کمک کرده و مسیرهای جدیدی برای گفت‌وگوی بین‌گفتمانی، بخصوص در فضای بین‌المللی و گفتمان‌سازی جهانی فراهم آورد.

٢. ادبیات و مبانی نظری تحقیق

مطالعه حاضر با تکیه بر نظریه گفتمان ارنستو لاکلاو و شانتال موفه انجام شده است (Laclau & Mouffe, 1985: 112-113). در این چارچوب، گفتمان مجموعه‌ای از دال‌ها است که حول یک دال مرکزی سازمان می‌یابد.

دال (Signifier) در زبان‌شناسی ساخت‌گرا و نظریه گفتمان، آن عنصر زبانی یا نمادینی است که به چیزی دلالت می‌کند، اما خودش به تنهایی دارای معنای ثابتی نیست. دال‌ها تنها در نسبت با سایر دال‌ها و درون یک گفتمان معنادار می‌شوند (لاکلاو و موفه، ١٣٩٧: ١٢٢).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

در نظریه لاکلاو و موفه، گفتمان را شبکه‌ای از دال‌ها می‌دانند که حول یک «دال مرکزی» یا «دال تهی» (empty signifier) سازمان می‌یابد. دال تهی دالی است که معنای مشخص و ثابتی ندارد و می‌تواند حامل معانی مختلفی در زمینه‌های مختلف باشد. این دال‌ها به‌صورت موقتی و از طریق سازوکار هژمونیک، تثبیت می‌شوند؛ برای مثال، واژه‌ای مانند «عدالت» می‌تواند یک دال باشد که در گفتمان‌های مختلف، معانی متفاوتی پیدا می‌کند: عدالت اقتصادی در گفتمان چپ، عدالت قانونی در گفتمان لیبرال، عدالت الهی در گفتمان دینی، و غیره (کسرایی و پوزش‌شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۳۹-۳۶۰).

همچنین «عدالت سیاسی» یک دال است که در گفتمان‌های مختلف معنای متفاوتی می‌پذیرد و تنها در نسبت با سایر دال‌ها در یک زنجیره دلالتی خاص، تثبیت موقت می‌یابد. این دال می‌تواند تبدیل به دال تهی شود، اگر نیروهای سیاسی مختلف تلاش کنند آن را مصادره کرده و معنای خود را بر آن سوار کنند.

۲.۱. تاریخچه مستقیم و مرتبط

مفهوم عدالت، از دوران افلاطون و ارسطو تا زمانه متفکرانی چون جان راولز و رابرت نوزیک، همواره یکی از مسائل محوری فلسفه سیاسی بوده است. در سنت کلاسیک، عدالت بیشتر با فضیلت، توازن در ساختار سیاسی و اخلاق فردی مرتبط بود. با تحول در دوران مدرن و شکل‌گیری نظام‌های لیبرال، عدالت به‌تدریج به حوزه توزیع حقوق و فرصت‌ها سپس به حوزه سازوکارهای قانونی و نهادی انتقال یافت.

در سنت لیبرال‌دموکراسی معاصر، جان راولز در کتاب معروف خود نظریه‌ای در باب عدالت، عدالت را به‌مثابه انصاف تعریف می‌کند و دو اصل مشهور عدالت را ارائه می‌دهد (Rawls, 1971: 52). از سوی دیگر، نوزیک با نظریه دولت حداقلی و عدالت استحقاقی خود، روایتی لیبرتارین از عدالت ارائه می‌دهد (Nozick, 1974: 3-6).

در گفتمان انقلاب اسلامی، عدالت همواره یکی از اصول بنیادین بوده است. امام خمینی(ره) عدالت را به‌عنوان غایت حکومت اسلامی و هدف بعثت انبیا تلقی می‌کردند. پس از انقلاب، مفاهیم عدالت در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی وارد فضای نظری و اجرایی نظام شدند؛ اما تحلیل گفتمانی عدالت سیاسی ـ بویژه در تقابل یا گفت‌وگو با دیگر گفتمان‌ها ـ کمتر به‌طور نظام‌مند مورد بررسی قرار گرفته است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

٢.٣. پیشینه پژوهش

در دهه‌های اخیر، مطالعه عدالت سیاسی در دو سنت گفتمانی انقلاب اسلامی و لیبرال‌دموکراسی، توجه پژوهشگران را در قالب آثار نظری و مطالعات تطبیقی به خود جلب کرده است. در حوزه لیبرال‌دموکراسی، اندیشمندانی چون جان راولز در کتاب « A Theory of Justice» عدالت را به‌عنوان انصاف (Justice as Fairness) و رابرت نوزیک در کتاب «Anarchy, State, and Utopia» با نقد دیدگاه راولز، با تأکید بر عدالت استحقاقی، مفهوم عدالت را در چارچوب عقلانیت ابزاری، فردگرایی و قرارداد اجتماعی صورت‌بندی کرده‌اند؛ در مقابل، منتقدانی مانند مایکل سندل و چارلز تیلور با برجسته‌سازی ابعاد هویتی و جامعه‌شناختی عدالت، افق‌های نوینی در فلسفه سیاسی گشوده‌اند. در سنت اسلامی، بویژه در گفتمان انقلاب اسلامی، آثار نظری و تحلیلی متعددی به عدالت پرداخته‌اند؛ از جمله مصطفی دلشاد تهرانی با تحلیل اخلاق‌محور اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، و رضا داوری اردکانی با تأملات فلسفی در نسبت عدالت با سنت اسلامی. مقالات علمی منتشرشده در فصلنامه‌هایی نظیر «گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی» نیز عدالت را در پیوند با مفاهیمی چون توحید، ولایت و نفی سلطه بررسی کرده‌اند. در حوزه مطالعات تطبیقی، اگرچه تلاش‌هایی برای مقایسه مفاهیم عدالت در سنت‌های مختلف صورت گرفته است، اما این پژوهش‌ها عمدتاً به مقایسه میان افراد نظیر امام خمینی(ره) و راولز محدود شده‌اند و کمتر به تحلیل ساختارهای گفتمانی و شبکه‌های معنایی قدرت پرداخته‌اند. نمونه‌هایی از این مطالعات عبارتند از:

أ. مقاله «اصول عدالت سیاسی در اندیشه امام خمینی(ره) و جان راولز» (١٤٠١) که با رویکرد معناشناختی، شباهت‌ها و تفاوت‌های مفهومی را بررسی می‌کند.

ب. مقاله «بررسی تطبیقی نظریه عدالت اجتماعی در اسلام و غرب (بررسی موردی مقایسه نظریهٔ عدالت در اندیشه‌های امام خمینی(ره) و جان راولز)» (١٣٨٩) که به‌دنبال تبیین امکان تلفیق دو دستگاه نظری است.

ج. مقاله «تمایز عدالت در ادبیات لیبرالیستی و ادبیات اسلامی» (١٣٩٢) که با رویکردی واژگانی و فلسفی، به تفاوت در مبانی معرفتی اشاره دارد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

د. مقاله «مقایسه دیدگاه اسلام و لیبرالیسم درباره عدالت با تکیه بر قرارداد اجتماعی و مهدویت» (۱۳۹۷) که بیشتر ناظر بر نقد مبانی نظری عدالت در غرب است.

مقاله حاضر با فاصله‌گیری از رویه‌های پیشین، نوآوری‌هایی چندگانه دارد که آن را از سایر پژوهش‌ها متمایز می‌سازد:

أ. تغییر سطح تحلیل از مقایسه متفکران به مقایسه گفتمان‌ها: برخلاف مطالعاتی که صرفاً به تطبیق آراء دو متفکر می‌پردازند، این پژوهش گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان لیبرال‌دموکراسی را به‌مثابه منظومه‌های گفتمانی دارای منطق درونی، سازوکار تولید معنا و چارچوب‌های هژمونیک بررسی می‌کند.

ب. کاربست روش‌شناسی تحلیل گفتمان: مقاله از روش تحلیل گفتمان، بویژه در سنت لاکلاو و موفه، بهره می‌برد تا فراتر از مفاهیم صوری، به فهم فرایندهای معناپردازی عدالت در بافت سیاسی–ایدئولوژیک هر گفتمان بپردازد. این رویکرد در تحلیل عدالت سیاسی کمتر مورد استفاده قرار گرفته است.

ج. طرح امکان تعامل گفتمانی میان دو گفتمان متقابل: برخلاف دیدگاه‌های تقابلی صرف، مقاله حاضر به امکان‌هایی برای گفت‌وگو، هم‌فهمی یا ترجمه مفهومی میان دو گفتمان توجه دارد؛ موضوعی نو و کمتر کاویده‌شده در ادبیات تطبیقی.

د. بررسی عدالت در پیوند با قدرت و هژمونی سیاسی: عدالت در این مقاله نه صرفاً به‌عنوان یک مفهوم اخلاقی یا فلسفی، بلکه در نسبت با سازوکارهای قدرت، نظم سیاسی و منازعه بر سر معنا بررسی شده است؛ مسأله‌ای که در ادبیات فارسی عمدتاً مغفول مانده است.

۳. روش تحقیق

روش تحقیق، تحلیل گفتمان انتقادی است و داده‌های پژوهش شامل «متون نظری انقلاب اسلامی» همچون وصیت‌نامه امام خمینی(ره)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، و «متون لیبرالی» همچون آثار رالز، لاک، اسناد دموکراتیک معاصر می‌باشد. همچنین، از روش مطالعه اسنادی برای استخراج مفاهیم کلیدی استفاده شده است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

٤. مباحث نظری

٤.١. معناپردازی عدالت سیاسی در گفتمان انقلاب اسلامی

گفتمان انقلاب اسلامی، عدالت را مفهومی متصل به الهیات و فقه سیاسی اسلامی می‌داند. در این گفتمان، عدالت سیاسی تابعی از عدالت الهی و ولایت الهی است و نه برآمده از اراده انسان یا قرارداد اجتماعی.

أ. از نگاه امام خمینی(ره) عدالت سیاسی به نفی طاغوت، دفاع از مستضعفین، و اقامه قسط مرتبط است (شیرافکن و همکاران، ١٤٠٣: ٦٦-٤٥). ایشان می‌فرماید: «ما عدالت اجتماعی را در سایه اجرای احکام اسلام می‌خواهیم و نه عدالت طاغوتی» (خمینی، ١٣٧٨: ٢١، ٤٠٧-٤٠٦).

ب. قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز جمهوری اسلامی را نظامی بر اساس ایمان به «عدل خدا در خلقت و تشریع» و «امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب» تعریف می‌کند (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ٢ و ٥).

ج. بیانیه گام دوم انقلاب، عدالت را نه فقط به معنای توزیعِ برابر منابع، بلکه در نسبت با معنویت، استقلال سیاسی و نفی سلطه خارجی معنا می‌کند (خامنه‌ای، ١٣٩٧: ١-١٢؛ رحیم‌پور و همکاران، ١٤٠٣: ١٢٦-١٠٦).

د. شهید مطهری(ره) تأکید می‌کند که اگر انقلاب ما در مسیر برقراری عدالت اجتماعی پیش نرود، یقینا به نتیجه نخواهد رسید، و این خطر وجود دارد که انقلاب دیگری با ماهیت دیگری جای آن را بگیرد (مطهری، ١٣٧٢: ٦٠).

٤.٢. معناپردازی عدالت سیاسی در گفتمان لیبرال‌دموکراسی

گفتمان لیبرال‌دموکراسی عدالت را در چارچوب عقلانیت رویه‌ای، قرارداد اجتماعی و برابری حقوقی تعریف می‌کند.

أ. جان رالز، عدالت را به‌عنوان انصاف تعریف می‌کند: «اصول عدالت آن‌هایی هستند که افراد عاقل و آزاد در وضعیت اولیه، در پسِ حجاب نادانی، بر سر آن توافق می‌کنند» (Rawls, 1971: 11).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ب. رابرت نازیک، بر عدالت در مالکیت و انتقال مشروع تأکید دارد و عدالت توزیعی را نفی می‌کند (Nozick, 1974: 150-151).

ج. ارزش‌هایی چون «حاکمیت قانون»، «آزادی بیان» و «مشارکت عمومی» از ارکان عدالت سیاسی در این گفتمان هستند (Held, 2006: 201-209).

۵. تقابل‌های گفتمانی میان دو روایت از عدالت

در این‌جا، به بررسی وجوه افتراق و اشتراک معناپردازی عدالت سیاسی در گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان لیبرال‌دموکراسی پرداخته می‌شود. سؤال راهبردی چنین است: «چه نقاط افتراق و اشتراکی میان معناپردازی عدالت سیاسی در گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان لیبرال‌دموکراسی وجود دارد؟»

۵.۱. چارچوب تحلیلی: تقابل گفتمانی

بر اساس نظریه گفتمان لاکلاو و موفه، هر گفتمان پیرامون یک «دال مرکزی» سازمان می‌یابد و معنای مفاهیم درون آن گفتمان از طریق زنجیره‌های هم‌ارزی شکل می‌گیرد (Laclau & Mouffe, 1985: 112-113).

عدالت سیاسی در دو گفتمان مورد بحث، دارای معانی متفاوت و حتی متعارض است؛ با این حال، تقاطعی مفهومی نیز در برخی دال‌های میانی دیده می‌شود.

۵.۲. مقایسه گفتمانی عدالت سیاسی

جدول زیر، تقابل مفهومی دو گفتمان را در ابعاد کلیدی نشان می‌دهد:

ابعاد مقایسه	گفتمان انقلاب اسلامی	گفتمان لیبرال‌دموکراسی
منبع مشروعیت	الهی (وحی، امامت)	قرارداد اجتماعی و اراده عمومی
دال مرکزی عدالت	اقامه قسط، نفی ظلم و طاغوت	برابری حقوقی، آزادی فردی
نسبت با دین	درونی و بنیادین (دین‌محور)	سکولار (تفکیک نهاد دین و سیاست)
نوع آزادی	آزادی در چارچوب شریعت	آزادی‌های سلبی و مثبت فردی
نظام اقتصادی	ضد استکباری، عدالت‌محور	بازار آزاد و رقابت

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

هدف غایی عدالت	قرب الی‌الله و تحقق حکومت عدل الهی	تحقق حقوق و آزادی‌های فردی
مفهوم مشارکت	بیعت، امت-امامت	انتخابات، مشارکت حزبی
مرجع قانون‌گذاری	احکام شرع و فقه اسلامی	اراده مردم، قوانین موضوعه
نگاه به قدرت	ابزاری برای تحقق عدالت الهی	توزیع قدرت و کنترل نهادی

۵.۳. تحلیل و تفسیر تفاوت‌ها

أ. گفتمان انقلاب اسلامی بیشترین پیوند را میان عدالت و شریعت قائل است (مبنای الهی)؛ اما گفتمان لیبرال‌دموکراسی عدالت را در تقابل با مرجعیت دینی و در بستر عقلانیت عرفی تعریف می‌کند. ب. آزادی در گفتمان اسلامی، محدود به چارچوب‌های شرعی است؛ در حالی‌که در گفتمان لیبرال، آزادی امری اصیل و بنیادی تلقی می‌شود.

نمودار زیر برخی تفاوت‌های محوری را در نسبت دین و عدالت و نوع آزادی در دو گفتمان نشان می‌دهد:

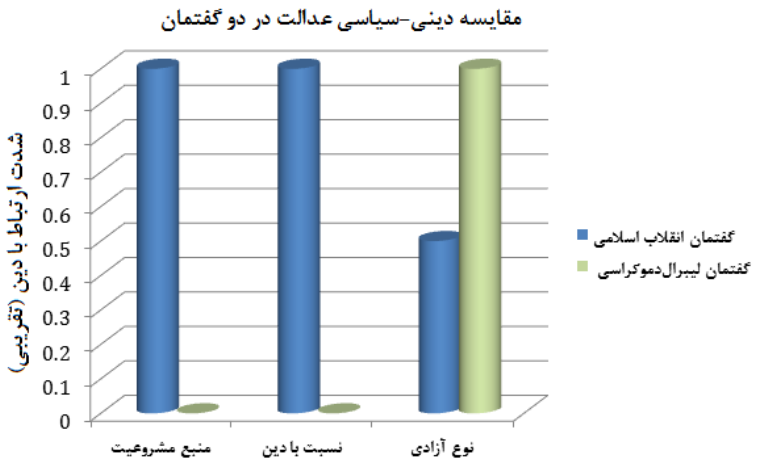

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

٦. نقاط افتراق مفهومی گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان لیبرال‌دموکراسی

عدالت سیاسی یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در فلسفه سیاست است. در گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان لیبرال‌دموکراسی، عدالت نه‌تنها از حیث معنا بلکه در مبنای هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، و غایت‌مداری با یکدیگر متفاوت تفسیر می‌شود. در ادامه سه مؤلفه کلیدی افتراق مفهومی بررسی می‌گردد.

٦.١.عدالت به مثابه قسط در گفتمان اسلامی، در برابر عدالت به مثابه انصاف در گفتمان لیبرالی (Rawls, 1971: 52).

در گفتمان انقلاب اسلامی، عدالت از ریشه قرآنی «قسط» برآمده است که در آیات متعددی همچون «**لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ**»[1] (حدید: ۲۵) و «**وَ نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيامَةِ**»[2] (أنبیاء: ٤٧) معنا شده است. قسط، تحقق توازن وجودی و قرار دادن هر چیز در موضع شایسته خویش است؛ نه صرفاً برابری، بلکه اقامه حق در برابر باطل و تأمین عدالت با اراده حاکمیتی الهی و پیامبرانه (مطهری، ۱۳۷۷: ۱، ۷۸).

در مقابل، جان رالز در نظریه عدالت خود، عدالت را به مثابه «انصاف» (Justice as Fairness) تعریف می‌کند، که اساس آن بر قرارداد اجتماعی فرضی، بی‌طرفی نهادی و برابری فرصت‌ها در جامعه‌ای لیبرال استوار است. در نگاه رالزی، عدالت، محصول توافق عقلانی انسان‌ها در پشت «پرده نادانی» است (Rawls, 1971: 52).

مبنای اختلاف: در حالی‌که عدالت اسلامی «قسط» را امری الهی، تکلیفی و معطوف به غایت اخلاقی می‌داند، عدالت در لیبرالیسم یک قرارداد عرفی، بی‌طرفانه و معطوف به کارآمدی اجتماعی است.

٦.٢. مشروعیت الهی در برابر مشروعیت مردم‌محور (Nozick, 1974: 133-137).

یکی دیگر از بنیادهای افتراقی، منبع مشروعیت قدرت است. در گفتمان انقلاب اسلامی، مشروعیت ناشی از نصب الهی و ولایت فقیه است که استمرار امامت معصوم

[1]. تا مردم قیام به عدالت کنند.

[2]. ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می‌کنیم.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

تلقی می‌شود (خمینی، ١٣٩٤: ٢٣ و ٥١). در این چارچوب، مردم نقش «مقبولیت‌بخش» دارند، نه منشأ اصلی مشروعیت (شیرافکن و همکاران، ١٤٠٣: ٦٦-٤٥).

در گفتمان لیبرال‌دموکراسی، مشروعیت حکومت برآمده از رضایت عقلانی مردم است؛ آن‌گونه که در نظریات رابرت نوزیک و دیگر لیبرال‌ها آمده است (Nozick, 1974: 133-137). در این چارچوب، حق حکومت‌داری تنها از مسیر رضایت فردی و قرارداد اجتماعی حاصل می‌شود.

مبنای اختلاف: گفتمان اسلامی بر حاکمیت الهی تأکید دارد و مردم را امت مکلف می‌بیند؛ اما لیبرال‌دموکراسی بر اختیار فردی و تفویض قدرت از سوی مردم تکیه دارد.

٦.٣. عدالت اقتصادی با رویکرد ضد سرمایه‌داری در برابر عدالت توزیعی در بستر بازار رقابتی.

در انقلاب اسلامی، عدالت اقتصادی به معنای مبارزه با استضعاف، نفی سرمایه‌داری و تقویت توزیع عادلانه ثروت، بویژه با تأکید بر رفع فقر، بهره‌گیری از مالکیت عمومی و نظارت دولت اسلامی بر اقتصاد است (الصدر، ١٣٨٥: ٣٣٢ و ٧٥٤). عدالت اقتصادی در این نگاه، بازتوزیع فعالانه ثروت در جهت اقامه قسط است؛ اما در لیبرال‌دموکراسی، عدالت اقتصادی معمولا به معنای توزیع عادلانه فرصت‌ها در بستر بازار آزاد و رقابتی است. رالز ضمن پذیرش نابرابری، آن را در صورتی عادلانه می‌داند که به نفع فرودستان تمام شود (Rawls, 1971: 302-303).

مبنای اختلاف: در گفتمان اسلامی، عدالت اقتصادی به معنای ضدیت با انباشت و تمرکز سرمایه است؛ در حالی که لیبرالیسم، نابرابری را اگر تابع قواعد بازار باشد، مشروع می‌داند.

جدول تطبیقی: افتراق مفهومی عدالت در دو گفتمان

محور مفهومی	گفتمان انقلاب اسلامی	گفتمان لیبرال‌دموکراسی
تعریف عدالت	قسط (اقامه حق و نفی باطل)	انصاف (Fairness)
مبنای مشروعیت	الهی، مبتنی بر ولایت الهی	مردمی، مبتنی بر رضایت اجتماعی
عدالت اقتصادی	نفی سرمایه‌داری، بازتوزیع فعالانه	توزیع فرصت‌ها، پذیرش بازار آزاد

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

هستی‌شناسی قدرت	توحیدی، تکلیفی	فردمحور، عقلانی – قراردادی
غایت عدالت	تحقق جامعه توحیدی و رفع استضعاف	حفظ آزادی فردی و نظم بازار

نمودار مفهومی: تقابل گفتمانی در معنای عدالت

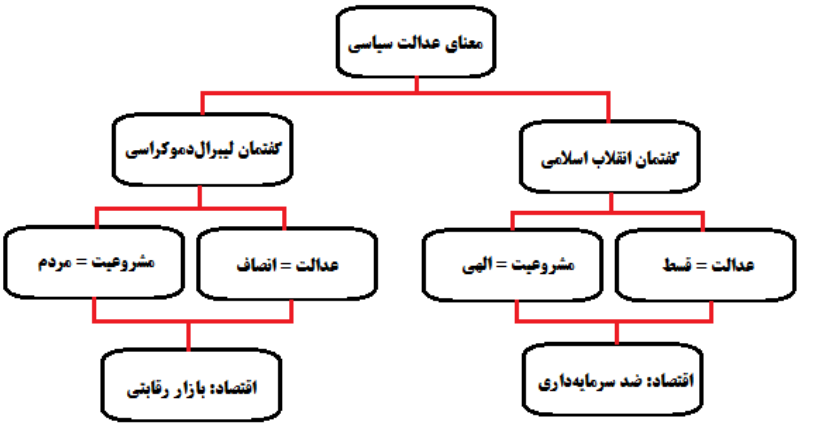

۷. نقاط اشتراک گفتمانی

با وجود تفاوت‌های بنیادین معرفتی میان گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان لیبرال‌دموکراسی، می‌توان در برخی حوزه‌های مفهومی و اجرایی نقاط اشتراک قابل تأملی یافت که امکان گفت‌وگو و تعامل را در سطح نظری و سیاسی افزایش می‌دهد. سه محور مهم این اشتراک عبارتند از: عدالت رویه‌ای، کرامت انسانی و مشارکت عمومی.

۷.۱. عدالت رویه‌ای (Procedural Justice)

عدالت در گفتمان انقلاب اسلامی، علاوه بر وجه غایی و اخلاقی، شامل التزام به رویه‌ها و ساختارهای عادلانه نیز می‌شود. مفاهیمی چون شفافیت، پاسخگویی و قانونگرایی در قرآن و سیره نبوی و علوی جایگاه برجسته‌ای دارند؛ برای نمونه، در قرآن کریم چنین آمده: «**وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ**»[۱] (نساء: ۵۸) و «**إِنَّ اللهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ**»[۲] (نحل: ۹۰) و امیرمؤمنان(ع) در نامه به مالک اشتر تأکید

[۱]. هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید.

[۲]. خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

می‌فرماید: «**وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ، وَأَعَمُّهَا فِي الْعَدْلِ**»[1] (نهج‌البلاغه، نامه ٥٣).

در گفتمان لیبرال‌دموکراسی، عدالت رویه‌ای از اصول بنیادین است و تأکید آن بر رعایت قوانین شفاف، پاسخگویی نهادها و حقوق برابر شهروندان در روند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است. جان رالز در نظریه عدالت خود، عدالت را نخست در قالب رویه‌های بی‌طرفانه تعریف می‌کند (Rawls, 1971: 73-78).

نکته اشتراک: هر دو گفتمان، بر حاکمیت قانون، شفافیت تصمیمات عمومی و مسئولیت‌پذیری مقامات تأکید دارند؛ هرچند با پشتوانه‌های معرفتی متفاوت.

٧.٢.کرامت انسانی (Human Dignity)

در گفتمان انقلاب اسلامی، مبنای کرامت انسان، باور به فطرت الهی و خلافت انسان بر زمین است: «**وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ**»[2] (اسراء: ٧٠).

امام خمینی(ره) نیز در وصیت‌نامه سیاسی–الهی خود تأکید می‌کند که هدف بعثت انبیا، احیای کرامت انسانی است (خمینی، ١٣٧٨: ٢١، ٤٠٣ و ٤٤٩).

در گفتمان لیبرال‌دموکراسی، کرامت انسان مبتنی بر عقل خودبنیاد و اصالت فرد است. از منظر این گفتمان، حقوق طبیعی انسان مانند حق حیات، آزادی و مالکیت، ذاتی و غیرقابل سلب است (Locke, 1689: 25-27). در اعلامیه جهانی حقوق بشر (١٩٤٨) نیز کرامت انسانی را مبنای حقوق بشر معرفی می‌کند (ماده ١).

نکته اشتراک: هر دو گفتمان، کرامت انسان را اصل محوری تلقی می‌کنند؛ اما تفسیر و منبع اعتبار آن متفاوت است.

٧.٣. مشارکت عمومی (Public Participation)

[1]. محبوب‌ترین کارها نزد تو باید آن‌هایی باشند که در حق، میانه‌روترین و در عدالت، فراگیرترین باشند.

[2]. ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

در گفتمان انقلاب اسلامی، مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود یک اصل بنیادین است: در قرآن کریم آمده: «**وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ**» (شوری: ۳۸) و امام خمینی(ره) تأکید می‌کند: «میزان رأی ملت است» (خمینی، ۱۳۷۸: ۸، ۱۷۲)؛ از همین رو نظام جمهوری اسلامی با ترکیب جمهوریت و اسلامیت، بستر مشارکت عمومی را از منظر دینی تعریف می‌کند (رحیم‌پور و همکاران، ۱٤۰۳: ۱۲٦-۱۰٦).

در گفتمان لیبرال‌دموکراسی، مشارکت سیاسی شهروندان از طریق انتخابات، احزاب، رسانه‌ها و نهادهای مدنی صورت می‌گیرد. آزادی رأی، بیان و تجمع از ارکان این مشارکت هستند (Dahl, 1989: 233). از نگاه این گفتمان، مشارکت عمومی نه تنها ابزار حکمرانی خوب، بلکه شرط تحقق عدالت سیاسی است.

نکته اشتراک: تأکید بر ضرورت مشارکت مردم در حیات سیاسی و اجتماعی؛ گرچه مبانی و سازوکار آن‌ها (الهی/قراردادی) متفاوت است.

جدول تطبیقی: مقایسه سه محور اشتراک

محور مفهومی	گفتمان انقلاب اسلامی	گفتمان لیبرال‌دموکراسی	اشتراک مفهومی
عدالت رویه‌ای	تأکید بر قانونگرایی دینی، شفافیت حاکمان، عدل علوی	فرآیندهای بی‌طرف، حاکمیت قانون، شفافیت نهادی	رعایت عدالت در فرآیندها و تصمیم‌گیری
کرامت انسانی	منشأ الهی کرامت؛ انسان خلیفه خدا بر زمین	کرامت به عنوان حق طبیعی فرد انسانی	ارزش ذاتی انسان به عنوان یک اصل بنیادین
مشارکت عمومی	مشارکت در چارچوب امت- امامت و مردم‌سالاری دینی	مشارکت بر اساس حقوق برابر و سازوکارهای لیبرال	حق تعیین سرنوشت از سوی مردم

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نمودار مفهومی: اشتراکات در سه لایه گفتمانی

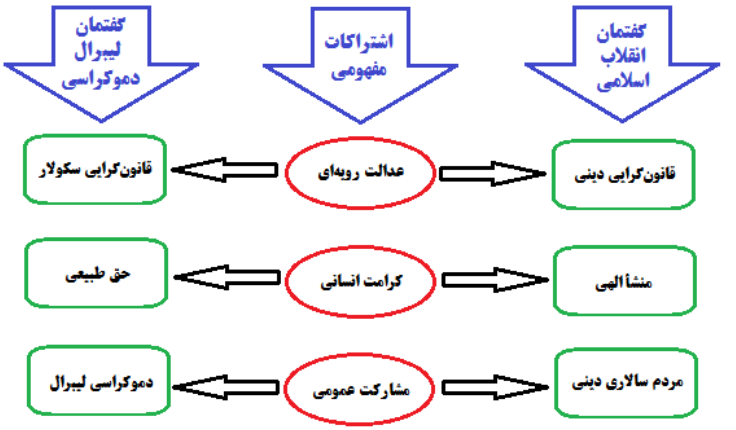

بر این اساس، روشن می‌شود با آن‌که گفتمان انقلاب اسلامی و لیبرال‌دموکراسی از مبانی معرفتی متمایز برخوردارند ـ یکی با تکیه بر وحی و دیگری بر عقلانیت خودبنیاد ـ اما در برخی اصول عملیاتی مانند عدالت رویه‌ای، کرامت انسانی و مشارکت عمومی، همپوشانی مفهومی مشاهده می‌شود. این اشتراکات می‌توانند مبنای شکل‌گیری گفت‌وگوی گفتمانی باشند و حتی در چارچوب سیاستگذاری عمومی، فرصت‌هایی برای تعامل و یادگیری متقابل فراهم آورند.

۸. امکان تعامل گفتمانی

گفتمان‌ها، به مثابه نظام‌های معنایی پیچیده، هرچند بر بنیادهای معرفتی خاصی استوارند، اما در سطوحی از معنا و عملکرد می‌توانند وارد **تعامل، ترجمه یا هم‌پوشانی مفهومی** شوند (Laclau & Mouffe, 1985: 116-118). گفتمان انقلاب اسلامی با ریشه‌های الهیاتی و فلسفه سیاسی شیعی، و گفتمان لیبرال‌دموکراسی با خاستگاه عقلانیت مدرن و حقوق طبیعی، در موضوع عدالت سیاسی تقابل‌هایی بنیادین دارند؛ اما این سؤال قابل تأمل است: «**آیا امکان تعامل گفتمانی میان این دو روایت از عدالت سیاسی وجود دارد؟ اگر بله، در چه سطوح، با چه شرایطی و چگونه؟**»

۸.۱ سطوح تعامل گفتمانی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

تعامل میان دو گفتمان متقابل می‌تواند در سه سطح نظری، نهادی و کارکردی مورد بررسی قرار گیرد:

۸.۱.۱.سطح نظری (Theoretical Level)

در این سطح، امکان تعامل محدود، ولی مهم است. گفتمان انقلاب اسلامی عدالت را بر مبنای شریعت و وحی الهی تبیین می‌کند، حال آن‌که لیبرال‌دموکراسی آن را بر پایه قرارداد اجتماعی و عقلانیت خودبنیاد می‌چیند. با این حال، می‌توان در سطح مفاهیم مشترک نظیر «حق، آزادی، کرامت و مشارکت» فضایی برای گفت‌وگو و تفسیرهای حداقلی فراهم آورد.

به تعبیر چارلز تیلور «جهان مفهومی مشترک» پیش‌نیاز تعامل گفتمانی است؛ حتی اگر افق‌های تاریخی و الهیاتی متفاوت باشد (Taylor, 1992: 33).

۸.۱.۲. سطح نهادی (Institutional Level)

نهادهایی مانند انتخابات، قوه قضائیه مستقل، نظارت عمومی و رسانه‌ها در هر دو گفتمان جایگاه دارند. تعامل در این سطح به معنای تبادل تجربیات، ساختارها و مدل‌های حکمرانی است؛ برای مثال، در جمهوری اسلامی مفهوم «نظارت استصوابی» قابل نقد و بازخوانی در پرتو تجارب دموکراتیک می‌گردد، و در مقابل، نهاد خانواده و اخلاق عمومی در لیبرال‌دموکراسی از تجارب اسلامی بهره‌مند می‌شود.

۸.۱.۳. سطح عملکردی (Pragmatic Level)

در سطح عملکردی، نیازهای مشترک مانند مقابله با فساد، توسعه عدالت رویه‌ای و افزایش مشارکت سیاسی، بستری مناسب برای تعامل فراهم می‌آورد. در این‌جا عدالت سیاسی به عنوان «هدف عملکردی مشترک» قابل گفت‌وگو است، بدون آن‌که ضرورتاً مبانی فلسفی واحدی داشته باشند.

۹. شرایط امکان تعامل

برای تحقق تعامل گفتمانی، شرایط زیر الزامی است:

۹.۱. به رسمیت شناختن گفتمان دیگر

گفتمان انقلاب اسلامی باید وجود گفتمان‌های مدرن را انکار نکند و آن‌ها را صرفاً دشمن نبیند. در مقابل، گفتمان لیبرال‌دموکراسی باید روایت دینی از عدالت را به عنوان

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

یک منبع مشروع معرفت سیاسی به رسمیت بشناسد (سروش، ۱۳۸۵: ۱۷۲–۱۷۳؛ همو، ۱۳٦۹: ۱۲–۱۹؛ Rawls, 1999: 70-150).

البته پذیرش چندگانگی معرفتی (Epistemic Pluralism) نیز پیش‌نیاز برای به رسمیت شناختن گفتمان دیگر است. تعامل واقعی تنها در صورتی ممکن است که هر گفتمان، مشروعیت معرفتیِ دیگری را در سطحی حداقلی بپذیرد (Habermas, 2008: 50-120).

۹.۲. وجود زبان مشترک مفهومی

یکی از شرایط امکان تعامل، تلاش برای گفت‌وگو با مفاهیم میانه است؛ چراکه تولید زبانی میانه برای گفت‌وگو ـ مثلاً درباره عدالت رویه‌ای یا کرامت انسانی ـ ضرورتی بنیادین دارد. این زبان می‌تواند تلفیقی از عرفی‌سازی دینی و الهی‌سازی عقلانی ـ مثل برخی الهیات مسیحی مدرن ـ باشد (مجتهد شبستری، ۱۳۷۹: ۹۳؛ Taylor, 2007: 539-593).

مثال‌های تاریخی نشان می‌دهد الهیات آزادی‌بخش در آمریکای لاتین و الهیات سیاه در آمریکا توانسته‌اند زبان دینی را با مفاهیم عدالت اجتماعی و کرامت انسانی پیوند دهند (Gutiérrez, 1973: 100-130).

۹.۳. حفظ تفاوت در عین گفت‌وگو

از دیگر شرایط امکان تعامل، پذیرش تفاوتِ گفتمان مقابل بدون نفی آن است؛ زیرا تعامل، الزاماً به همسانی نمی‌انجامد. به تعبیر پل ریکور: «درک متقابل از طریق تفاوت حاصل می‌شود، نه با حذف آن» (Ricoeur, 1991: 105).

ج. گونه‌شناسی تعامل گفتمانی

نوع تعامل	ویژگی‌ها	نمونه‌ها
تعامل همپوشان	تمرکز بر اشتراکات مفهومی و کارکردی (مثل عدالت رویه‌ای)	همکاری در نهادهای جهانی حقوق بشر
تعامل	گفت‌وگو با حفظ مرزهای نظری و نقد	مناظرات نظری درباره حقوق بشر اسلامی و

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

انتقادی	متقابل	جهانی
تعامل ترجمه‌ای	بازتفسیر مفاهیم در چارچوب گفتمان خودی	تفسیر «آزادی» ذیل «حریت اسلامی» در اندیشه امام خمینی(ره)
تعامل ابزاری	استفاده کارکردی از مفاهیم یا ساختارهای گفتمان دیگر	بهره‌گیری از روش‌های نظارت انتخاباتی یا حکمرانی الکترونیک

نمودار مفهومی: سطوح و شروط تعامل گفتمانی

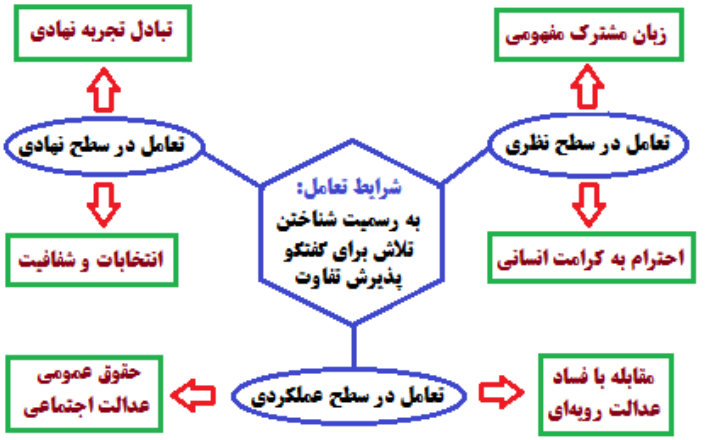

بنابراین، گرچه گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان لیبرال‌دموکراسی در مبانی فلسفی و هستی‌شناختی عدالت سیاسی تفاوت‌های آشکاری دارند، اما امکان تعامل در سطح مفاهیم، نهادها و عملکرد وجود دارد. این تعامل نیازمند زبان مشترک، پذیرش تفاوت و بازسازی مفاهیم کلیدی است. تعامل گفتمانی نه به معنای تسلیم در برابر دیگری، بلکه به معنای گشودگی به گفت‌وگو با هدف ارتقای فهم متقابل و رفع تعارضات در جهان پیچیده معاصر است.

نتیجه‌گیری

عدالت سیاسی، به مثابه مفهومی بنیادین در فلسفه سیاسی، در دل گفتمان‌های مختلف معانی متفاوتی به خود می‌گیرد. این پژوهش نشان داد که گفتمان انقلاب اسلامی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

و گفتمان لیبرال‌دموکراسی، علی‌رغم اشتراک در دغدغه عدالت، بر پایه دو منظومه معرفتی و مفهومیِ متفاوت شکل گرفته‌اند. در گفتمان انقلاب اسلامی، عدالت سیاسی ریشه در جهان‌بینی توحیدی دارد و با مفاهیمی همچون ولایت، امامت، نفی سلطه و قسط الهی معنا می‌یابد. در مقابل، گفتمان لیبرال‌دموکراسی عدالت را در بستر قرارداد اجتماعی، برابری حقوقی، تفکیک قوا و حقوق فردی صورت‌بندی می‌کند. این تمایزها به معنای نفی کامل امکان گفت‌وگو نیست. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که در برخی سطوح، بویژه در حوزه عدالت رویه‌ای، کرامت انسانی و ساختارهای مشارکت سیاسی، می‌توان از امکان تعامل گفتمانی سخن گفت. با این حال، این تعامل منوط به پذیرش مرزهای معرفتی طرفین و درک متقابل از دال‌های شناور است. نتیجه آن است که عدالت سیاسی نه‌تنها عرصه‌ای برای نزاع گفتمانی بلکه می‌تواند بستری برای فهم متقابل، گفت‌وگو و حتی ترجمه فرهنگی میان سنت‌های سیاسی متفاوت باشد. این امکان تعامل، اگرچه محدود و مشروط است، اما در زمانه جهانی‌شدن گفتمان‌ها، ضرورتی راهبردی به شمار می‌رود.

منابع

١. *قرآن کریم*.

٢. صالح، صبحی. (١٤١٤). *نهج‌البلاغه*. قم: هجرت.

٣. *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. (١٣٦٨).

٤. *اعلامیه جهانی حقوق بشر*. ١٩٤٨.

٥. حیدری خویی، امیر و همکاران. (١٤٠١). "اصول عدالت سیاسی در اندیشه امام خمینی(ره) و جان راولز." *پژوهش‌های سیاست اسلامی*. دوره ١٠، ش ٢٢، ٢٥٧-٢٨١.

٦. خامنه‌ای، سید علی. (١٣٩٧). *بیانیه گام دوم انقلاب*. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.

٧. خمینی(ره)، روح‌الله. (١٣٧٨). *صحیفه امام خمینی(ره)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۸. خمینی(ره)، روح‌الله. (۱۳٦۸). *وصیت‌نامه سیاسی ـ الهی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۹. خمینی(ره)، روح‌الله. (۱۳۹٤). *ولایت فقیه: حکومت اسلامی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۱۰. دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۷۹). *عارض خورشید: مقدمه‌ای بر اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)*. تهران: خانه اندیشه جوان.

۱۱. داوری اردکانی، رضا. (۱۳۹٤). *مسائل تاریخی و قدرت سیاست*. تهران: فرهنگستان علوم.

۱۲. رحیم‌پور، رضا و همکاران. (۱٤۰۳). "ارزیابی نسبت عملکرد نظام جمهوری اسلامی با گفتمان انقلاب اسلامی با محوریت استقلال سیاسی." *گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی*. دوره ۳، ش ۱۱، ۱۰٦-۱۲٦.

۱۳. سروش، عبدالکریم. (۱۳۸۵). *بسط تجربه نبوی*. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.

۱٤. سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۲). "قبض و بسط تئوریک شریعت: نظریه تکامل معرفت دینی." *کیهان فرهنگی*. ش ۷۳، ۱۲-۱۹.

۱۵. شیرافکن، مجتبی و همکاران. (۱٤۰۳). "مبانی گفتمان انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی(ره)." *گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی*. دوره ۳، ش ۱۰، ٤۵-٦٦.

۱٦. الصدر، السید محمد باقر. (۱۳۸۵). *اقتصادنا*. قم: بوستان کتاب.

۱۷. فوزی، یحیی؛ مرادی، روح‌الله. (۱۳۸۹)، "بررسی تطبیقی نظریهٔ عدالت اجتماعی در اسلام و غرب (بررسی موردی مقایسه نظریهٔ عدالت در اندیشه‌های امام خمینی(ره) و جان راولز)." *پژوهشنامه متین*. دوره ۱۲، ش ٤۸، ۹٤-۱۱۷.

۱۸. کسرایی، محمدسالار؛ پوزش‌شیرازی، علی. (۱۳۸۸). "نظریه گفتمان لاکلائو و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی." *سیاست*. دوره ۳۹، ش ۳، ۳۳۹-۳٦۰.

۱۹. لاکلاو، ارنستو؛ موفه، شانتال. (۱۳۹۷). *هژمونی و استراتژی سوسیالیستی: به سوی سیاست دموکراتیک رادیکال*. (م، رضایی. مترجم). تهران: نشر ثالث.

۲۰. مجتهد شبستری، محمد. (۱۳۷۹). *هرمنوتیک، کتاب و سنت*. تهران: نشر طرح نو.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

٢١. مطهری، مرتضی. (١٣٧٢). *پیرامون انقلاب اسلامی*. تهران: صدرا.

٢٢. مطهری، مرتضی. (١٣٧٧). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.

٢٣. ملکی، علی. (١٣٩٧). "مقایسه دیدگاه اسلام و لیبرالیسم درباره عدالت (با تکیه بر اندیشه قرارداد اجتماعی و اندیشه مهدویت)." *مشرق موعود*. دوره ١٢، ش ٤٦، ٢٥-٤٤.

٢٤. مهدوی‌زادگان، داود. (١٣٩٢). "تمایز عدالت در ادبیات لیبرالیستی و ادبیات اسلامی." *معرفت سیاسی*. دوره ٥، ش٢، ٦٩-٧٨.

25. Dahl, R. (1989). *Democracy and Its Critics*. Yale University Press.
26. Gutiérrez, Gustavo. (1973). *A Theology of Liberation: History, Politics, and Salvation*. Orbis Books.
27. Habermas, Jürgen. (2008). *Between Naturalism and Religion: Philosophical Essays*. Translated by Ciaran Cronin, Polity Press.
28. Held, D. (2006). *Models of Democracy*. Polity Press.
29. Laclau, Ernesto; Mouffe, Chantal. (1985). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. London: Verso.
30. Locke, J. (1689). *Two Treatises of Government*.
31. Mouffe, C. (2000). *The Democratic Paradox*. Verso.
32. Nozick, R. (1974). *Anarchy, State, and Utopia*. Basic Books.
33. Rawls, John. (1971). *A Theory of Justice*. Harvard University Press.
34. Rawls, John. (1999). *The Law of Peoples: with "The Idea of Public Reason Revisited"*. Harvard University Press.
35. Ricoeur, P. (1991). *From Text to Action*. Northwestern University Press.
36. Taylor, Charles. (2007). *A Secular Age*. Harvard University Press.
37. Taylor, Charles. (1992). *Multiculturalism and the Politics of Recognition*. Princeton University Press.

Archive of SID.ir